

انقلاب اسلامی و فرهنگ انتظار

ابراهیم ششمی سرروستانی



سیر تحول فرهنگ مهدویت و انتظار در سه دهه گذشته

اقبال و توجه عمومی به فرهنگ مهدویت و انتظار در دوران سی ساله انقلاب اسلامی یکسان نبوده و فراز و فرودهای متعددی داشته است. در مجموع می‌توان این فراز و فرودها را در سه مقطع تاریخی بررسی و مطالعه کرد:

الف) دوره احیای فرهنگ مهدویت و انتظار

در این دوران که از سال‌های پیش از پیروزی انقلاب اسلامی آغاز شده و تا اوایل دهه شصت ادامه می‌یابد، به مدد اندیشه ژرف و افکار بلند رهبر کبیر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی (ره) فرهنگ مهدویت و انتظار که تا پیش از آن زمان هم‌معنا با سکون و سکوت، پذیرفتن وضع موجود و بی‌تفاوتی در برابر استبداد داخلی و استعمار خارجی بود، به عنوان فرهنگی پویا و حرکت‌آفرین و پشتوانه نظری مستحکم برای تشکیل حکومت صالحان در عصر غیبت مطرح شد. در این مجال فرصت بررسی تفصیلی نقش انقلاب

ارتباط دوسویه و پیوند جدایی‌ناپذیر انقلاب اسلامی ایران و فرهنگ مهدویت و انتظار را از دو دیدگاه می‌توان بررسی کرد:

۱. از دیدگاه تأثیر فرهنگ مهدویت و انتظار بر انقلاب اسلامی و نقش این فرهنگ در شکل‌گیری، پیروزی و استمرار انقلاب شکوهمند مردم مسلمان ایران؛

۲. از دیدگاه اثرات انقلاب اسلامی بر فرهنگ مهدویت و انتظار و نقش این انقلاب در گسترش، پویایی و نهادینه شدن فرهنگ مهدویت و انتظار در جامعه اسلامی ایران. تبیین و تفسیر این ارتباط و پیوند از هر دو دیدگاه یادشده ضروری است و می‌تواند هم در رشد و اعتلای انقلاب اسلامی و هم در گسترش و تعمیق هرچه بیشتر فرهنگ مهدویت و انتظار بسیار مؤثر باشد. از این رو جا دارد که پژوهشگران و دانش‌پژوهان حوزوی و دانشگاهی در پژوهش‌ها و پایان‌نامه‌های خود به این موضوع توجه و وجوه مختلف آن را با بهره‌گیری از علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، فلسفه، تاریخ، کلام و علوم قرآن و حدیث بررسی کنند.

در این مقاله با توجه به مجال اندک، به اجمال ارتباط انقلاب اسلامی و فرهنگ مهدویت را از دیدگاه دوم بررسی و به برخی از وجوه این ارتباط اشاره می‌کنیم.

۲. از نظر دور نداشتن «عصر غیبت» و تلاش برای اصلاح وضع موجود با هدف زمینه‌سازی برای ظهور؛
 ۳. توسعه وظایف و تکالیف منتظران و منحصر نشدن این وظایف به دعا برای تعجیل فرج و درخواست ملاقات با آن حضرت؛
 ۴. توجه به «برائت‌جویی» به عنوان مقدمه و شرط «ولایت‌ورزی» واقعی. ارتباط انقلاب اسلامی و فرهنگ مهدویت و انتظار و تأثیر و تأثر متقابل این دو از یکدیگر آنچنان بارز و آشکار است که حتی پژوهشگران و تحلیل‌گران غربی - کسانی چون مارتین کرامر، برنارد لوئیس، فردین زوئیس، دانیل برومبگ، مایکل ام‌جی، فیشر - که در نخستین سال‌های پیروزی انقلاب اسلامی در کنفرانس بین‌المللی دانشگاه تل‌آویو (۱۹۸۴ م) به بررسی و تحلیل نقش آموزه‌های شیعی در انقلاب اسلامی ایران پرداختند، به این موضوع توجه و در مقالات خود بر آن تأکید کرده‌اند.^۳

ب) دوران افول

در همه سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی فرهنگ مهدویت و انتظار جایگاهی شایسته و قابل توجه در اندیشه و عمل رهبران انقلاب اسلامی داشته است، ولی در مقطعی از این دوران سسی‌ساله به دلیل شرایط خاص کشور و بروز برخی رویدادهای سیاسی، اجتماعی، این فرهنگ در سطح عمومی و در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی نظام اسلامی از جایگاه مناسبی برخوردار نبوده و با بی‌مهری و کم‌توجهی دست‌اندرکاران نهادها و سازمان‌های فرهنگی، تبلیغی، آموزشی و پژوهشی کشور

اسلامی در تحول و پویایی فرهنگ مهدویت و انتظار نیست و تنها به مقایسه اجمالی شاخصه‌های رویکرد مهدوی در پیش و پس از انقلاب اسلامی بسنده می‌کنیم:

شاخصه‌های رویکرد مهدوی در دوران پیش و پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران کاملاً با یکدیگر متفاوت است. تا پیش از اوج‌گیری نهضت امام خمینی (ره) شاخصه‌های رویکرد مهدوی غالب عبارت بودند از:

۱. توجه به امام مهدی (ع) تنها به عنوان «منجی موعود» و نجات‌بخشی که در آینده‌ای نامشخص می‌آید و به همه دردها، رنج‌ها و نابرابری‌ها پایان می‌دهد؛
۲. تمرکز نگاه بر «عصر ظهور» بدون داشتن هیچ چشم‌انداز روشنی برای اصلاح امور و بهبود وضع جامعه در «عصر غیبت»؛
۳. خلاصه شدن «وظایف منتظران» در دعا برای تعجیل فرج و نزدیک‌تر شدن ظهور منجی موعود؛
۴. تأکید صرف بر «ولایت‌ورزی» (تولی) و بی‌توجهی به «برائت‌جویی» (تبری) از همه مظاهر کفر، شرک و نفاق در عصر حاضر.

حضرت امام خمینی (ره) با طرح دیدگاه‌ها و نظرات بدیع خود، باب جدیدی را در حوزه مهدویت و انتظار گشود و شاخصه‌های رویکرد مهدوی را دستخوش دگرگونی و تغییر اساسی ساخت. مطالعه آثار و سخنان امام راحل (ره) نشان می‌دهد که در دیدگاه ایشان مهم‌ترین شاخصه‌های رویکرد مهدوی عبارتند از:

۱. توجه به امام مهدی (ع) به عنوان آخرین «حجت خدا» و امام حقی و حضری که نسبت به وضعیت حال مسلمانان نیز بی‌تفاوت نیست؛



حجتیه که متوجه مخاطب سخنان ایشان شده بودند، با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کردند:

«براساس عقیده دینی و تکلیف شرعی خود، تبعیت از مقام معظم رهبری و مرجعیت و حفظ وحدت و یکپارچگی امت و رعایت مصالح عالی مملکت و ممانعت از سوء استفاده دستگاه‌های تبلیغاتی بیگانه و دفع غرض‌ورزی دشمنان اسلام را بر ادامه خدمت و فعالیت مقدم دانسته، اعلام می‌داریم که از این تاریخ، تمامی جلسات و خدمات انجمن تعطیل می‌باشد و هیچ‌کس مجاز نیست تحت عنوان این انجمن، کوچک‌ترین فعالیتی کند و اظهار نظر یا عملی مغایر تعطیلی نمایند که یقیناً در پیشگاه خدای متعال و امام زمان - سلام‌الله علیه - مسئول خواهد بود»^۶.

عملکرد نادرست انجمن حجتیه، دیدگاه‌های خاص انجمن یاد شده درباره فرهنگ انتظار و مهدویت و موضع‌گیری شدید حضرت امام در برابر این انجمن بر این باور نادرست دامن زد که فعالیت‌های مهدوی در تضاد با شرایط انقلابی کشور و به مثابه ضدیت با رهبر معظم انقلاب اسلامی است، و همچنین موجب شد که بسیاری از مبلغان مذهبی از بیم متهم شدن به هواداری انجمن حجتیه و در نتیجه برخوردهای قضایی و انتظامی، از تبلیغ و ترویج فرهنگ مهدویت و انتظار در مجالس و محافل مذهبی خودداری کنند.^۸

این خودسانسوری و توهم نادرست در عمل منجر به رکود فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی در حوزه مهدویت و انتظار در یک دوره ده‌ساله شد.

ج) دوران شکوفایی مجدد

سال‌های پایانی دهه دوم پیروزی انقلاب را باید دوران شکوفایی مجدد اندیشه مهدویت و انتظار در ایران اسلامی نامید. در این سال‌ها، گروهی از فرزندان انقلاب اسلامی و وفاداران به آرمان‌های امام خمینی (ره) با الهام از اندیشه‌های این پیر فرزانه تلاش سازمان‌یافته‌ای را برای احیای آرمان مهدویت در کشور اسلامی ایران آغاز کردند. این گروه با درک عمیق از موقعیت انقلاب اسلامی در جهان، نیازهای فرهنگی جامعه اسلامی ایران و شرایط سیاسی، فرهنگی و اقتصادی حاکم بر جهان معاصر، تبلیغ و ترویج باور مهدوی و فرهنگ انتظار را سرلوحه فعالیت‌های خود قرار داده و پرداختن به امور زیر را در عصر حاضر ضروری دانستند:

۱. شناسایی و نقد بنیادین جنبه‌های گوناگون فرهنگ و تمدن مغرب زمین به عنوان فرهنگ و مدنیتی که در تقابل جدی با آرمان «حقیقت‌مدار»، «معنویت‌گرا» و «عدالت‌محور» مهدوی قرار دارد؛ زیرا انسان‌های عصر غیبت تنها زمانی می‌توانند به ریسمان ولایت مهدوی چنگ زنند و به تمام معنا در سلک منتظران موعود قرار گیرند که باطل زمان خویش را به درستی بشناسند و با

روبرو بوده است.

در این دوران «انجمن حجتیه» (۱۳۶۲-۱۳۳۲) که در زمان خود گسترده‌ترین و فعال‌ترین تشکل فرهنگی، اعتقادی در حوزه مهدویت بود، با اتخاذ موضع‌گیری‌های نادرست در برابر رهبر انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی این ذهنیت را برای بسیاری از انقلابیان ایجاد کرد که فعالیت‌های مهدوی با اهداف انقلاب و نظام در تضاد است و گفت‌وگو از امام مهدی (ع) به معنای ضدیت با ولایت فقیه است.^۴

استمرار این موضع‌گیری‌ها و بی‌توجهی رهبران انجمن نسبت به تذکرات فراوان حضرت امام، در نهایت منجر به برخورد شدید رهبر انقلاب اسلامی با تشکل یادشده و تعطیل شدن فعالیت‌های آن در مرداد ۱۳۶۲ شد.

ماجرای تعطیل شدن انجمن حجتیه در تاریخ یاد شده از این قرار بود که حضرت امام در ۲۱ تیر ۱۳۶۲ ضمن سخنرانی ویژه عید سعید فطر، به بررسی جریان‌های مخالف با حرکت اصیل انقلاب اسلامی پرداخت و در بررسی یکی از این جریان‌ها فرمود:

«... و یک دسته دیگر هم که تزشان این است که بگذارید که معصیت زیاد بشود تا حضرت صاحب بیاید. حضرت صاحب مگر برای چی می‌آید؟ حضرت صاحب می‌آید معصیت را بردارد ما معصیت کنیم که او بیاید؟ این اعوجاجات را بردارید، این دسته‌بندی‌ها را برای خاطر خدا اگر مسلمید و برای خاطر کشورتان اگر ملی هستید،



این دسته‌بندی‌ها را بردارید و در این موجی که الان این ملت را به پیش دارد می‌برد، در این موج خودتان را وارد کنید و بر خلاف این موج حرکت نکنید که دست و پایتان خواهد شکست»^۵.

در پی این رهنمودهای امام راحل، رهبران انجمن

امروز در آستانه چهارمین دهه پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی در ایران، شاهد تشکیل دهها مؤسسه آموزشی، پژوهشی و تبلیغاتی، انتشار چندین نشریه عمومی و تخصصی و فعالیت تعداد زیادی پایگاه اطلاع‌رسانی در حوزه مهدویت و انتظار هستیم. این موضوع به نوبه خود نویدبخش زمینه‌سازی فرهنگی و اجتماعی برای ظهور امام مهدی(ع) و اتصال انقلاب اسلامی ایران به انقلاب جهانی حضرت بقیه‌الله الاعظم - ارواحنا له الفداء - است.

گفتنی است در سال‌های اخیر به موازات رشد فعالیت‌های اصیل مهدوی در کشور، آسیب‌ها و ناهنجاری‌های متعددی در حوزه تبلیغ و ترویج فرهنگ مهدویت و انتظار ایجاد شده است که از آن جمله می‌توان به پخش و نشر مطالب بی‌محتوا، کم‌محتوا، خرافی، انحرافی و سست و بی‌اساس، افزایش مدعیان دروغین، رشد جریان‌های افراطی و تفریطی، بسنده کردن به جنبه احساسی و عاطفی فرهنگ مهدویت و انتظار و کم‌توجهی به جنبه معرفتی این فرهنگ، دامن زدن به موضوع تشرفات و نپرداختن به مسئولیت‌ها و تکالیف مردم در برابر امام عصر(ع) و... اشاره کرد.^۱

امیدواریم در آستانه چهارمین دهه پیروزی انقلاب اسلامی، با گسترش فعالیت‌های پژوهشی، آموزشی، تبلیغی و ترویجی در حوزه مهدویت و انتظار، شناخت و معرفت مردم نسبت به امام عصر(ع) و پیوند قلبی و عاطفی آنها با آن امام روز به روز افزایش یابد و در نهایت مردم جامعه ما به همراهی عملی شایسته‌ای با امام و مقتدای خود دست یابند و همه مناسبات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی حاکم بر این جامعه رنگ و روی مهدوی پیدا کند. **این شاه‌الله.**

پی‌نوشت‌ها:

۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه رک: غلامرضا پرهیزکار، بررسی تأثیرات انقلاب اسلامی بر رشد مهدویت در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره).
۲. برای مطالعه بیشتر در این زمینه رک: ابراهیم شفیعی سروسنایی، معرفت امام زمان(ع) و تکلیف منتظران، صص ۱۸۵-۲۰۳.
۳. رک: تشیع، مقاومت و انقلاب؛ مجموعه مقالات کنفرانس بین‌المللی دانشگاه تل‌آویو (۱۹۸۴)، صص ۹۷، ۴۲، ۷۰، ۷۱ و ۱۷۲.
۴. برای مطالعه بیشتر در این زمینه رک: رسول جعفریان، جریان‌ها و سازمان مذهبی - سیاسی ایران (از روی کار آمدن محمدرضا شاه تا پیروزی انقلاب اسلامی)، صص ۳۶۴-۳۷۴؛ سید ضیاءالدین علیانسنب و سلمان علوی نیک، جریان‌شناسی انجمن حجتیه، صص ۱۴۲-۱۷۱.
۵. صحیفه امام (مجموعه آثار امام خمینی(ره))، ج ۱۷، صص ۵۳۴.
۶. جریان‌شناسی انجمن حجتیه، صص ۴۴-۴۵.
۷. برای آشنایی با دیدگاه‌های انجمن حجتیه درباره انتظار و مهدویت رک: ع. باقی، در شناخت حزب قاعدین زمان (موسوم به انجمن حجتیه)، صص ۱۲۱-۱۶۴؛ جریان‌شناسی انجمن حجتیه، صص ۴۹-۷۵.
۸. برای آشنایی با فضای فکری حاکم بر دهه شصت و دیدگاه‌های انقلابیان در مورد انجمن حجتیه رک: جریان‌شناسی انجمن حجتیه، صص ۱۶۵؛ در شناخت حزب قاعدین زمان، صص ۱۰۱-۱۵۵ و جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران، صص ۳۷۰-۳۷۲.
۹. رک: برای مطالعه بیشتر در این زمینه رک: اسماعیل شفیعی سروسنایی، استراتژی انتظار، ج ۲، صص ۳۳-۷۶.
۱۰. برای مطالعه بیشتر در این زمینه رک: معرفت امام زمان(ع) و تکلیف منتظران، صص ۲۳۵-۲۸۲.

تمام وجود از آن بیزاری جویند.

۲. شناخت و نقد جدی مناسبات فرهنگی، سیاسی و اقتصادی حاکم بر جوامع اسلامی که به تقلید از الگوهای توسعه غربی و تحت تأثیر اندیشه‌های عصر مدرنیته در این جوامع شکل گرفته است. این جوامع بدون شناخت جدی از وضع موجود خود نمی‌توانند به راه‌کارهای مبتنی بر آموزه‌های دینی برای خروج از فتنه‌های فراگیر عصر غیبت دست یابند.

۳. تلاش برای تدوین راهبرد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی جوامع اسلامی در عصر غیبت تا رسیدن به عصر طلایی ظهور بر اساس اندیشه مهدوی و فرهنگ انتظار.

۴. بازشناسی جنبه‌های اعتقادی، تاریخی، فرهنگی و اجتماعی اندیشه مهدوی و فرهنگ انتظار با بهره‌گیری از منابع متقن و مستدل و استفاده از همه توان مراکز علمی حوزوی و دانشگاهی در زمینه مباحث کلامی، فلسفی، عرفانی، اخلاقی، علوم اجتماعی و سیاسی.

۵. تلاش برای پالایش اندیشه ناب مهدوی از هرگونه شایبه جعل و تحریف و زدودن این اندیشه از زنگارهای جهل و خرافه، سخنان سست و بی‌اساس و هرگونه دیدگاه انحرافی مبتنی بر افراط یا تفریط.

۶. پاسخ‌گویی عالمانه و متناسب با نیازهای روز به شبهه‌ها، پرسش‌ها و ابهام‌های موجود در زمینه منجی‌گرایی شیعی.

۷. احیا و گسترش فرهنگ انتظار و تلاش برای شناساندن نقش سازنده این فرهنگ در پایداری و پویایی جوامع اسلامی

۸. تبیین وظایف و تکالیف مردم در برابر حجت خدا و امام عصر(ع)، نهادینه ساختن این وظایف و تکالیف در فرد و اجتماع و آماده ساختن جامعه اسلامی برای استقبال از واقعه مبارک ظهور.

۹. مقابله جدی با همه جریان‌های سیاسی - فرهنگی که در قالب کتاب، نشریه، فیلم، نرم‌افزارهای رایانه‌ای و پایگاه‌های اطلاع‌رسانی جهانی (اینترنت) به تقابل با اندیشه موعودگرایی شیعی می‌پردازند؛ از طریق گسترش فرهنگ ناب مهدوی و نقد و بررسی جریان‌ها و اندیشه‌های انحرافی و التقاطی.

۱۰. بررسی و نقد دیدگاه‌هایی که اندیشمندان مغرب‌زمین در زمینه جهان آینده و آینده جهان مطرح کرده‌اند.

با آغاز فعالیت این گروه از فرزندان انقلاب اسلامی در سال ۱۳۷۴ و تأسیس مؤسسه فرهنگی موعود و در پی آن انتشار مجلات موعود و موعود جوان، به تدریج مؤسسات و نهادهای دیگری در عرصه فعالیت‌های مهدوی حاضر شدند و گفت‌وگو از امام عصر(ع) در سراسر کشور ما فراگیر شد تا جایی که